

■محمدبابای

کشورهای اسلامی به خصوص منطقه خاورمیانه، روزها و ماه‌های پر چالشی را پشت سر می‌گذارند. اعتراضات سال ۲۰۱۱ که جمهوری اسلامی آن را «بیداری اسلامی» تعبیر کرد، از یک طرف با گفتمان لیبرالی از اسلام روبه‌رو شده و از طرف دیگر، پدیده اسلام تکفیری نیز آن را به چالش کشیده است. برای بررسی این چالش‌ها به خصوص بعد از تکمیل اجرای توافق هسته‌ای ایران با ۵+۱ و تنش‌های اخیر تهران – ریاض، با حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قمی معاون ار تباطات بین‌الملل دفتر رهبر انقلاب به‌گفت‌وگو نشستیم. وی معتقد است که غرب چون نتوانسته با قدرت گرفتن تفکر اسلامی و بیداری اسلامی رویارو شود، مدلی بدلی برای آن به وجود آورده است. قمی همچنین اختلافات بین ایران و عربستان را نیز سیاسی و نه مذهبی می‌داند.

■ ■ ■

بحث را از بیداری اسلامی شروع کنیم. جهان اسلام به لحاظ چالش‌ها و تنش‌هایی که پشت سر می‌گذارد وضعیت چندان مناسبی ندارد و حتی این را به جنگ‌های ۳۰ ساله اروپا شبیه‌سازی کرده‌اند. اخیراً هم او با ما در نطق سالانه‌اش گفت چالشی که الان خاورمیانه با آن روبه‌رو است. یک دهه دیگر ادامه خواهد داشت با توجه به اینکه شما بحث «ظهور ابرقدرت امت اسلامی» را مطرح کرده‌اید، چالش‌های فعلی نسبتش با ظهور چنین ابرقدرتی چیست؟

این دو مسئله یکی ظهور ابرقدرت اسلامی و دومی هم مشکلات داخلی که الان در درون جهان اسلام شکل گرفته اشاره به یک موضوع دارند؛ از نظر فلسفی و تاریخی که قرآن «اصحاب تکائر» را در مقابل جبهه دیگری مطرح می‌کند که «اصحاب کوثر» هستند.

قدرت‌های متکائر قدرت‌هایی هستند همانند امریکا که مسلط بر جهان هستند و قدرت اقتصادی و رسانه‌ای جهان را در اختیار دارند و همچنین قدرت علم و فناوری نیز در کنترل این کشورهاست، بنابراین نوعی بی‌عدالتی در سطح جهانی و عرصه‌های مختلف اقتصادی، علم و فناوری، سیاسی و فرهنگی به ویژه عرصه‌های جنسیتی را شاهد هستیم. ظلمی که امروز به جنس زن می‌شود در تاریخ بشر بی‌سابقه‌است. امروز برده‌داری مدرن یا برده‌داری جنسی یکی از پررذرتین تجارت‌هایی است که در جهان وجود دارد که محصول همین فرهنگ تکائر است در مقابل جبهه کوثر که البته برای خودش زمینه‌هایی دارد. از جمله خسته شدن افکار عمومی مردم جهان از مدیریت کره خاکی به دست چند کشور محود، ظلم و بی‌عدالتی که در دنیا وجود دارد، علاقه و تشنگی جهانی به معنویت و عقلانیت و اخلاق و مدیریت جدیدی که بتواند انسان‌ها را از این تبعیض‌ها رها کند.

آنچه در این دوران بیداری اسلامی شاهد هستیم تضعیف شدن قدرت رباب تکائر و افزایش توان جبهه کوثری است، به این معنا که شما می‌بینید هر چند امریکایی‌ها بعد از فروپاشی اتحادیه جماهیر شوروی مدعی رهبری واحد جهان بودند، ولی در این عرصه شکست خوردند. امروز هیچ‌سک باور نمی‌کند که مدیریت واحد جهانی تحت‌نظر امریکا قابل تحقق باشد. خوشبختانه‌ترین حالت وجود چندین قطب است.

از طرف دیگر، شکست امریکا در پرونده‌های منطقه‌ای مسئله

مهمی است، امریکا در پرونده افغانستان، عراق و الان هم در سوریه و لیبی با ناکامی مواجه شده و نتوانسته به هیچ‌کدام از اهداف فکر برسد. دلشش هم این است که حرکت امریکایی‌ها یک حرکت عریض یعنی برخلاف رهبری واحد جهان بودند، ولی در این همین دلیل مردم مسلمان به صورت طبیعی مخالف نظام سلطه هستند و اگر چند روزی هم براساس تبلیغات مسیری را طی کنند دوباره به مسیر طبیعی خود برمی‌گردند.

با این اوصاف معتقدید که وضعیت چالشی که جهان اسلام با آن روبه‌رو است، گذراست؟

این را در نتیجه‌گیری عرض می‌کنم. بیداری اسلامی امر جدیدی نیست و حدود دو قرن است در منطقه رواج دارد اما بیداری اسلامی لزوماً سیاسی یا به دست گرفتن قدرت سیاسی نیست یعنی بیداری اسلامی یک حرکت فطری و اجتماعی است نه حرکتی برای به دست گرفتن قدرت تا اگر جایی قدرت در دست رفت بگویم بیداری اسلامی با مشکل روبه‌رو شده‌است. البته بیداری اسلامی در برخی کشورها هم توانست خودش را به عرصه قدرت هم نزدیک کند که خیلی زود دشمنان متوجه این مسئله شدند و سعی کردند با آن مقابله کنند.

اجازه دهید به مصر به عنوان یک نمونه اشاره کنیم. یکی از ماهیای که بیداری اسلامی سعی کرد قدرت را به دست بگیرد مصر بود، اما وقتی اخوانی‌ها به رهبری مرسی به قدرت رسیدند رفتارهایی از خود نشان دادند و این فرضیه تقویت شد که ظاهرالهدیوش، اسلامگرای سنی وقتی به قدرت نژدیک می‌شود،

گرایش فرقه‌ای پیدا می‌کند و بحث سنی و شیعه را دنبال می‌کند، نظر شما در این باره چیست؟

من در این جهت با نظر شما موافق نیستم. به نظر من مشکل مصر عملکردی بود و البته این واقعیتی است که اگر در مصر با رهبری معتدل مجرب مردمی روبه‌رو بودیم، وضعیت خیلی فرق می‌کرد. اصلاً یکی از امتیازات ما در جمهوری اسلامی و در انقلاب اسلامی که بخشی از بیداری اسلامی است، وجود رهبری بود. ما رهبری داشتیم که چند روز بعد از پیروزی انقلاب یاسر عرفات را به عنوان رهبر فلسطینیان در کشور پذیرفت و به قول خود یاسر عرفات، این اولین باری بود که وقتی هواپیماهای اف ۱۴ بلندی می‌شدند نه برای ذن فلسطین بلکه برای حمایت از فلسطین بلند می‌شدند. عرفات پس از ورود به تهران با رهبر ایران ملاقات کرد و همچنین در میدان فلسطین مقابل سفارت اسرائیل سخنرانی کرد. فرزند امام سیداحمد آقا بدون مامشات کنار ایشان ایستاد و بعد کلید سفارت اسرائیل را تحویل گرفتند و به یاسر عرفات دادند. این حد از شجاعت رهبری، جایگاه خاص خودش را داشت که در همین راستا شاهد بودیم که شش ماه بعد امام روز قدس را اعلام کردند و یاسز در همین امتداد مقام معظم رهبری هم فرمودند هر کس بخواهد مقابل اسرائیل بایستد ما حمایتش می‌کنیم. اگر این صراحت لهنجه و شجاعت در رهبران کشورهای دیگر از جمله مصر وجود داشت شاید روند جریانات و اتفاقات در این کشور به شکل دیگری رقم می‌خورد. ولی مماشات بی‌جهت و استفاده نکردن از نیروهای مردمی که در اختیار داشتند باعث بعضی از این مشکلات شد. البته فکر می‌کنم اینها مقطعی است و شعور و آگاهی مصر مجدداً مسیر حرکت بیداری اسلامی را ادامه خواهد داد.

پس جمع‌بندی‌ای که از مجموع صحبت‌های شما

گفت‌وگو

گفت‌وگو ۸۸۹۹۸۴۸



گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلین قمی معاون ار تباطات بین‌الملل دفتر رهبر انقلاب

داعش واکنش غرب به بیداری اسلامی است

به نظر می‌رسد این است که جنابعلی‌به

بیداری اسلامی یک جنبه تاریخی دادید

و یک جنبه فکری، اندیشه‌ای و اجتماعی.

این را می‌پذیریم، ولی به هر حال داعش یک

عرب‌نژاده اجتماعی (هر چند غیر مسلط) است.

این پدیده را در زمینه بیداری اسلامی چطور

تفسیر می‌کنید؟

نظام سلطه در کشورهای اسلامی وقتی حضور پیدا می‌کرد یا می‌گفت ما برای حفاظت از منافع ملی آمده‌ایم یا اینکه می‌گفت می‌خواهیم از حقوق بشر حفاظت کنیم، یعنی اینکه آنها مجبور بودند ادبیاتشان را عوض کنند، دروغین اسلامی مثل داعش استفاده کنند که خودش مدعی اجرای شریعت اسلامی است. این نشان می‌دهد که به هر حال، تفکر اسلامی و بیداری اسلامی قدرت گرفته است و چون نتوانسته مستقیماً با تفکر اسلامی مبارزه کند، بیاید مدل بدلی این تفکر را به عنوان مزدور خودش به میدان آورد.

متظور تان این است که داعش واکنش غرب به جریان بیداری اسلامی است؟

داعش روش سوءاستفاده آنهاست. شک تکنید داعش بدون پشتوانه غرب هرگز داعش نمی‌شد. در اعتراضات مقامات امریکایی‌ها هم هست که ما از کنار داعش عامدانه با یک تصمیم حضور داشتیم. داعش برای غرب یک سرمایه راهبردی است و نکته دیگر که رهبر معظم انقلاب در صحبتشان اشاره کردند این است که در تحلیل مؤسسات و اندیشکده‌های راهبردی هم وجود دارد که غربی‌ها می‌گویند و دشمن‌شان داعش نیست، اسلام هم نیست، بلکه می‌گویند دشمن ما اسلامگرای است. این اسلامگرای یعنی کسانی که می‌خواهند احکام اسلام را اجرا کنند چه با استفاده از ابزار مسالمت آمیز و چه با استفاده از ابزار خشونت. غربی‌ها هر دو را می‌گویند. اسلامگرای یا همان بیداری اسلامی که آنها را نگران کرده حرکتی است که در سال‌های اخیر شاهد رشدی چشمگیر بوده است؛ البته این رشد با مشکلاتی جدی هم مواجه شده که ناشی از دو عامل «مداخله بیگانگان» و «برخوردار نبودن از رهبران مجرب و مردمی و شجاع» بوده اما معنایش این نیست که اگر ما بخواهیم برخورد کرد، متوقف می‌شود بلکه چون یک حرکت طبیعی متلیق با فطرت است ادامه می‌یابد.

کمی هم به حوادث جاری البته در همین زمینه

ببر دازیم. همانطور که شما هم مستحکم‌ید،

دو ماه قبل حوادث نیجریه و دستگیری شیخ

زکزکی اتفاق افتاد وبعدهم شاهد صدور حکم

شیخ نمر بودیم که تبعات خاص خودش را

داشت. از جمله اینکه تنش‌های بین ایران

و عربستان به اوج رسید و تا الان هم ادامه

دارد. البته قبل از اینها هم جنگ یمن بود که

از فروردین ماه ۱۳۹۴ شروع شده است. به

نظر تان آیا مجموع این حوادث را ما می‌توانیم در قالب یک فرضیه به هم وابسته بدانیم؟ البته

ممکن است بگویید که خبر هر کدام از اینها

یک حادثه مجرد است.

یک‌اصل در مسائل سیاسی همین است که از تباط حوادث مختلف را با یکدیگر پیدا کنیم و هیچ موق به حوادث سیاسی. جزیره‌ای و جدا نگاه نکنیم. اینها مور به هم پیوسته هستند و لایه‌هایی دارند. مقدّماتاً باید بگویم که ما در شرایط کنونی شاهد سه گفتمان در منطقه خودمان هستیم. یک گفتمان لیبرال‌سری غربی است که منطقیش روشن است و بحث‌هایی مثل آزادی، حقوق بشر و تعدد مذهبی (پلورا لیسم) را هم در عرصه اخلاق و هم در عرصه دین و مذهب را مطرح می‌کند. گفتمان دیگر، گفتمان وهابیت است که نقطه اوج این گفتمان هم پدیده داعش است.

تغفیتد نماینده گفتمان اول چیست؟

قدرت شاهزادگان سعودی است که مقام معظم رهبری تعبیر زیادی مست قدرت، شهوت و ثروت هستند را برایشان به کار بردند اما گفتمان سوم در منطقه گفتمان مقاومت است که ستاره و نماد آن هم سیدحسن نصرالله می‌شود. دو گفتمان اول از یک خانواده هستند یعنی هم وهابیت و هم گفتمان لیبرال‌سرم‌یکایی از یک خانواده هستند. امریکایی‌ها مدعی‌اند ما یکسری ارزش‌هایی داریم که این ارزش‌ها جهانی هستند و حق داریم برای توسعه این ارزش‌ها از زور هم استفاده کنیم هر چند تعدادی بی‌گناه هم کشته شوند. این منطبق را وقتی با منطق عربستان یا وهابیت مقایسه کنید، شباهت‌های زیادی دارند. داعش هم می‌گوید ما یکسری ارزش‌ها داریم که اسلامی و جهانی هستند و ما حق داریم برای توسعه این ارزش‌های جهانی از زور استفاده کنیم.

اما گفتمان مقاومت در گوشه و کنار دنیا به شکل‌های مختلفی بروز کرده که مرکز آن امروز جمهوری اسلامی است. اگر بخواهیم گفتمان مقاومت را به خیمه‌ای تشبیه کنیم باید بگویم این خیمه در جمهوری اسلامی بنا شده و با طناب‌هایی به گوشه و کنار دنیا این ستونش متصل

است مثل عراق، نیجریه، یمن و غیره که هر کدام شل شده، استقامت ستون اصلی را مورد خدشه قرار می‌دهد.

یکی از پایه‌های مقاومت در نیجریه است که نزدیک به ۱۵ میلیون شیعه دارد. در مراسم‌های مختلف شرکت می‌کنند از جمله در روز قدس و همانطور که می‌دانید سال گذشته در جریان برگزاری این مراسم تعدادی از طرفداران اهل بیت به شهادت رسیدند که سه نفر از آنها فرزندان زکزکی بودند و یک سال بعد باز به تجمع شیعیان نیجریه حمله می‌شود که باز سه نفر دیگر از فرزندان ایشان به شهادت می‌رسند. چه رابطه‌ای بین شرکت در راهپیمایی قدس و شهید شدن اینها وجود دارد؟ چیزی که اینها را به هم پیوند می‌دهد همین فرهنگ مقاومت است؟

همین مسئله را به نوعی دیگر در یمن شاهد هستیم. در طول ۱۰ ماه گذشته هزاران نفر را شهید کردند و سیاست سرزمین سوخته را در این کشور پیاده می‌کنند و دست به نسل‌کشی می‌زنند اما مجامع بین‌المللی در مقابل این همه جنایت سکوت می‌کند فقط به خاطر اینکه فرهنگ مقاومت از بین برود. این مسئله در جاهای دیگر هم مصداق دارد و ما نگران هستیم که گروه‌های مقاومتی که در سایر کشورهای آسیایی و آفریقایی هستند مورد تهدید قرار بگیرند.

در رابطه با روابط ما با عربستان، به هر حال طی هفته‌های اخیر درگیری تنششی بی‌سابقه یا حداقل کم‌سابقه‌ای را شاهد بودیم. به نظر تان با توجه به اینکه به هر حال هر دو کشور مسلمان هستند و رواریوبی از این بیشتر هم به صلاح نیست، راه‌حل چیست؟

به‌رغم اظهارات سخیف و بی‌منطقی که مسئولان عربستان دارند مسئولان ما همیشه دعوت به آرامش و دوری از تنش کرده‌اند. یکی از این رؤسای جمهوری که چند وقت قبل با حضرت اقلادات داشتند از حضرت آقا سوال کردند که شما که با مسیحیت مذاکره می‌کنید، چرا گفت‌وگوی بین شیعه و سنی ندارید؟ حضرت آقا فرمودند ما جهان اسلام را یک مجموعه واحد می‌دانیم. ایشان تأکید کردند که ما باید در کنار آن بر برخورد محکم و مقتدری که در منطقه جنگ مذهبی نداریم هر چه که هست مسئله سیاسی است. البته عربستان خیلی دوست دارد این جنگ را مذهبی جلوه دهد به خاطر اینکه در مسائل سیاسی شکست خورده است. سعودی‌ها سعی می‌کنند به جای



د

عکس: نافقه عربستانیان/جوان

واقعیت این است امروز شاهد

طوفانی در افکار عمومی غرب

علیه عربستان هستیم این طوفان

ناشی از این است که جریانات

تروریستی که اخیراً در منطقه

به وجود آمده و عواقب آن دامن

غربی‌ها را هم گرفته از نظر فکری

منتسب به تفکر وهابیت هستند

که ریشه‌اش در عربستان است

امت اسلامی از طریق امت سنی یارگیری کنند. در کنار عربستان، اسرائیل هم سعی می‌کند از این اختلافات سیاسی استفاده کند و جنگ طایفه‌ای را در منطقه دامن بزند. اعدام شیخ نمر و حوادثی که در عربستان پیش می‌آید ناشی از بی‌تجربگی حکام عربستان و همچنین مست بودن آنها از قدرتشان و مزدوری آنهانسبت به اسرائیل و نظام سلطه جهانی است. اینها دارند اوامر آنها را خواسته یا ناخواسته اجرا می‌کنند و البته تجربه ما هم نشان می‌دهد که این مسائل خیلی گذراست و زود از بین می‌رود؛ چراکه عربستان در جایگاهی نیست که بتواند این فتنه‌ای که خودش به راه انداخته را ادامه دهد و از طرف دیگر این فتنه گریبانگیر خودش می‌شود.

اخیراً به صورت بی‌سابقه‌ای شاهد انتشار

گزارش‌هایی در رسانه‌های غربی درباره

رابطه با وهابیسیم و عربستان سعودی

هستیم که تقریباً در تمامی آنها به نقش

مخرب این سیاست‌ها و خطرهای ناشی

از آن اشاره شده است، به نظر شما چگونه

می‌توانیم از این تحول جدیدی که در

افکار عمومی دنیا ایجاد شده استفاده

کنیم؟

واقعیت این است امروز شاهد طوفانی در افکار عمومی غرب علیه عربستان هستیم، این طوفان ناشی از این است که جریانات تروریستی که اخیراً در منطقه به وجود آمده و عواقب آن دامن غربی‌ها را هم گرفته از نظر فکری منتسب به تفکر وهابیت هستند که ریشه‌اش در عربستان است. در واقع به ریشه‌های عقیدتی و ایدئولوژیکی گروه‌هایی مانند القاعده، بوک‌حرام و داعش به وهابیت بر می‌گردد. علاوه بر این گروه‌هایی هم به صورت مستقیم و غیرمستقیم از حمایت مالی و اقتصادی سعودی‌ها بر خوردار هستند. اما حاکمان

۹ جوان

که می‌کنیم با بحث بیداری اسلامی چه

نسبتی دارد؟ هم‌مسیرند یا خیر؟

ما واقعاً باید شاکر خداوند متعال باشیم که در این فرآیند مذاکرات هسته‌ای یک مسئله برای افکار عمومی دنیا روشن شد که اتهاماتی که در خصوص سلاح هسته‌ای ظرف بیش از ۱۰ سال علیه جمهوری اسلامی زدن بی‌پایه و اساس بوده است، ما دنبال تکنولوژی هسته‌ای هستیم اما برای اهداف ملخ‌آمیز و استفاده در فناوری‌های جدید کشاورزی، انرژی، دارویی و شیرین کردن آب و ده‌ها نیازی که کشور احتیاج دارد اما به صورت کلی سیاسی که جمهوری اسلامی در همه مسائل بین‌المللی دارد مبتنی بر چند اصل است، اصل اول اینکه ما نسبت به امریکا بی‌اعتماد هستیم. سوابق امریکا نشان می‌دهد که اصلاً قابل اعتماد نیست. اصل دوم اینکه ما اهل تسلیم هم نیستیم که بخوایم از حقوق حقه ملت ایران در هر زمینه از جمله مسئله هسته‌ای کوتاه بیایم مسلماً این کار را نخواهیم کرد و با استشهاده و استناد به هیئات متناذله تسلیم نمی‌شویم.

اصل سوم اینکه ما به استقبال بحران هم نمی‌رویم بالاخره مملکت احتیاج به پیشرفت دارد و مردم نیاز دارند که زندگی‌شان تأمین شود و اینها در سایه بحران‌های غیرضروری حاصل نمی‌شود. از مجموع اینها یک اصل چهارمی نتیجه گرفته می‌شود که همان بحث سیاست بازدارندگی فعال است؛ یعنی ما باید کاری کنیم که دشمنان اصلاً توهم اینکه بخوانند نسبت به ما تعارض کنند را در ذهنشان راه ندهند. ترجمه این سیاست در مذاکرات هسته‌ای خود را نشان داد. ما از یک طرف قدرت فناوری‌مان در عرصه هسته‌ای غنی‌سازی ۳ در صد، ۵ در صد و گاهی تا ۲۰ درصد انجام شد، از سوی دیگر وحدت ملی مردم که همه یکپارچه در مسئله هسته‌ای ایستادگی کردند و از همه مهم‌تر رهبری مقتدر و دوراندیش مقام معظم رهبری که این جریان را هدایت کردند، این زمینه را پیش آورد که ما اگر قدرت و اقتدار خودمان را داشته باشیم دشمنان مجبورند با ما کنار بیایند.

البته ما عقب‌نشینی‌هایی هم در مواضعان انجام دادیم و از همین جهت، این بحث در بخشی از جامعه مطرح است که فناوری هسته‌ای را تا جایی جلو بردیم ولی حالا در جاهایی هم عقبگرد کرده‌ایم. مثلاً سانتریفیوژهایمان ۱۹ هزار بود ولی حالا به سطح ۵ هزار رضایت داده‌ایم. غنی‌سازی هم تا ۲۰ درصد رفتیم ولی نهایتاً قبول کردیم فعلاً در سطح ۵ درصد باشد. این تعدیل بعضی وقت‌ها قابل هضم نیست.



در مذاکره طبعاً یک جایی طرف کوتاه می‌آید و یک جایی پیشرفت می‌کند که صورت طبیعی هر مذاکره‌ای است. نکته اساسی و راهبردی برای ما اصل پذیرش غنی‌سازی است و اینکه این غنی‌سازی در داخل خاک ایران بود و همچنین تأکید بر این بود که تحقیق و توسعه نباید متوقف شود.

آنچه در این شرایط بسیار مهم است دو نکته است یک نکته برمی‌گردد به دولتمردان که قدر دانشمندان هسته‌ای را بدانند. اینها هستند که افتخار را برای ایران پدید آوردند. دولتمردان کاری کنند که به تدریج آثار این تکنولوژی هسته‌ای در زندگی روزمره مردم نمایان شود، یعنی زمینه تحقیقات و پژوهش را فراهم آورند تا در کشاورزی، داروسازی، پزشکی و شیرین کردن آب... آثار خود نشان دهد و مردم نتایج ملموس آن را در زندگی خود ببینند. نکته دوم هم این است که ما همه این دستاوردها را در شرایط بی‌اعتمادی کامل به امریکا و مقاومت در برابر امریکا به دست آوردیم و نباید این مسئله را فراموش کنیم.

من جواب سوال آخر را انگرفتم. به طور خلاصه در زمینه بحث بیداری اسلامی،

بالاخره بحث توافق کجا قرار می‌گیرد؟

این فرهنگ این حقیقت را به مسا می‌فهماند که اگر با اقتدار در مسائل مختلف ظاهر شویم نظام سلطه چاره‌ای جز کوتاه آمدن در برابر بیداری اسلامی ندارد. امریکا توان آن را ندارد که در برابر جریان بیداری اسلامی و مقاومت مردم منطقه ایستادگی کند، نمونه بارزش مسئله هسته‌ای است که در جریان آن مردم، رهبری و دانشمندان ما مقاومت کردند و این پیروزی به دست آمد. خود رئیس‌جمهور امریکا به صورت صریح گفت اگر ما می‌توانستیم پیچ و مهره را جمع می‌کردیم اما به خاطر اقتدار ملت نتوانستند. اگر همه ملت‌های اسلامی به سمت افزایش اقتدار علمی، فناوری و وحدت ملی خود و رهبری‌های فرزانه باشند طبعاً بیداری اسلامی سرعت بیشتری خواهد گرفت.